

اولین و اساسی‌ترین مانع و آفت توسعه بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها دروغ است. ما معتقد نیستیم که هدف وسیله را توجیه می‌کند و چون هدف مقدس است، پس از دروغ استفاده شود. گاه قبح دروغ‌گویی چنان از بین می‌رود که به عنوان مثال برخی مدیران در جلسات ستاد حوادث غیرمترقبه به خاطر افزایش دریافت اعتبار متوسل به آمار و ارقام متورم و غیرواقعی می‌گردند. اطلاعات غلط پردازش غلط را به دنبال خواهد داشت و تمامی برنامه‌ریزی‌هایی که بر پایه آمار غیرواقعی بنا گردد، با شکست مواجه می‌گردد.

### «سنگ اول گر نهاد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج»

که این هم خود دروغی بیش نیست، چون دیوار کج یک و نیم متر بالا نرفته سرنگون می‌گردد؛ پس دروغ‌زدایی اولین گام در جهت توسعه تمامی بخش‌ها خصوصاً بخش کشاورزی خواهد شد. آمار و ارقام دریافتی از کشاورزان در زمان دریافت نهاده‌های کشاورزی و یا تسهیلات و یا غرامت بیمه با زمان دریافت عوارض بسیار متفاوت خواهد بود.

دومین مانع اساسی توسعه بخش کشاورزی عوامل طبیعی خشکسالی، سرمازدگی، سیل، تگرگ، آفات، زلزله و بیماری و فراگیر نبودن سطح پوشش بیمه‌ای محصولات کشاورزی می‌باشد.

ایجاد بیمه درآمدی به جای بیمه هزینه‌ای و مرحله‌ای با تحت پوشش بردن تمامی عوامل خطر و تعرفه‌های متناسب با آن، می‌تواند به رفع این مانع کمک نماید. به طور مثال: در حال حاضر زارعی که محصول گندم خود را در سال ۸۶ در اثر

یخبندان به طور کامل از دست داده و فرصت کشت مجدد ندارد، به علت اینکه تاریخ بروز سرما در مرحله پنجه‌زنی بوده، برابر دستورالعمل فعلی صندوق بیمه فقط ۵۰ درصد از تعرفه حداکثر تعهد بیمه‌گر را دریافت می‌دارد و یا در باغات، آفات و بیماری‌های غیرقابل پیشگیری تحت پوشش نمی‌باشد و حق بیمه، سهم کشاورز در مناطق پرخطر بسیار بالاست.

از اهم موانع توسعه بخش کشاورزی مشکل تامین وثیقه بانکی است. صندوق تضمین بانک کشاورزی حداکثر معادل ۳۰ درصد اصل و سود تسهیلات سرمایه‌ای دارای توجیه، آن هم با معرفی ضامن معتبر و اخذ سفته و دریافت کارمزد تا سقف پانصد میلیون ریال را ضمانت می‌نماید که راهگشا نبوده، صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی که به صورت کامل در تمامی استان‌ها شکل نگرفته بود و وظیفه تضمین تسهیلات تشکیل‌های تعاونی را به عهده داشت، بنابر اطلاع، معایر اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده شد و توسعه پیدا نکرد. صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری و بخش تعاون که در مورخ ۱۳۸۷/۵/۲ به تصویب رسید،



## شناسایی و رفع موانع اصلی توسعه بخش کشاورزی

هنوز شکل نگرفته و در صورت شکل‌گیری فقط ضمانت تشکیل‌های تعاونی را عهده‌دار خواهد بود.

شرکت و موسسه‌های تضمین اعتبار نیز که قرار بود با سرمایه خود بانک‌ها راه‌اندازی شود، هنوز شکل نگرفته و پوشش ریسک اعتبارات پرداختی بانک‌ها توسط خود آنها مطلوب به نظر نمی‌رسد. ایجاد شرکت تضمین اعتبارات با ۴۹ درصد سهم دولت از منابع صندوق ذخیره ارزی و ۵۱ درصد سرمایه‌گذاری بانک‌ها می‌تواند راهگشا باشد. البته این پیشنهاد نیاز به مصوبه قانونی مجلس دارد. صدور اسناد جهت منابع آبی فاقد سند مانند چاه‌ها توسط اداره ثبت و به میزان سهم بهره‌برداران می‌تواند مشکل وثیقه تعدادی از بهره‌برداران خود را مرتفع سازد.

سوءمدیریت و عدم تعامل ادارات و ارگان‌های متولی در بخش کشاورزی با بانک کشاورزی و دیوان‌سالاری حاکم بر ادارات مختلف از موانع مهم توسعه این بخش به شمار می‌رود. برای رفع این نقیصه می‌بایست صدور مجوزها با هیات کارشناسی متشکل از کارشناسان جهاد کشاورزی، دامپزشکی و کارشناسان بانک کشاورزی به عنوان مشاور صورت پذیرد تا متقاضی قبل از دریافت مجوز توسط کارشناسان بانک، امکان‌سنجی اولیه شده و در صورت عدم احراز شرایط لازم جهت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، صدور مجوز صورت نپذیرد.

وزیر و متولیان بخش کشاورزی می‌بایست توسط کارشناسان خبره بخش کشاورزی کاندید و معرفی گردند، لذا تشکیل مجلس خبرگان اقتصادی و یا کشاورزی ضرورت دارد.

عدم وجود سیاست و الگوی کشت در مناطق، تولید بیش از حد یک محصول و نایاب شدن محصول دیگر، خرد شدن و قطعه‌قطعه شدن اراضی به لحاظ قانون ارت و عدم صرفه اقتصادی در قطعات کوچک نیاز به اصلاح قانون ارت در مورد عدم تقسیم اراضی کشاورزی را دوچندان می‌کند. از دیگر موانع توسعه بخش کشاورزی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: فرسایش و کاهش منابع آب و خاک، تبدیل رو به گسترش اراضی کشاورزی به واحدهای صنعتی، تجاری، مسکونی، سایر کاربری‌ها، عدم هماهنگی تقویم پرداخت تسهیلات بانکی با تقویم تولید به دلیل محدودیت مدت زمان بازپرداخت در تسهیلات تکلیفی، وجود مشکلات حقوقی و عدم تمایل مالکین اراضی خرد به تجمیع و یکپارچه‌سازی اراضی، کاهش سهم آب کشاورزی از جریانات سطحی به دلیل افزایش سهم آب شرب و ممنوعیت حفر چاه، عدم امکان توسعه منابع آب جدید به دلیل ممنوعیت بهره‌برداری



عبدالرضا فتوره‌چی  
کارشناس ارشد بانک کشاورزی

اطلاعات غلط پردازش غلط را به دنبال خواهد داشت و تمامی برنامه‌ریزی‌هایی که بر پایه آمار غیرواقعی بنا گردد، با شکست مواجه می‌گردد

## از میان نامه‌ها

### فرآوری محصولات کشاورزی در ایران

#### فریاد بی صدا

به عقیده اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران تا مادامی که محصولات کشاورزی نتوانند به چرخه تبدیلی وارد شوند، نمی‌توانند بازارهای هدف مناسب را پیدا کنند. به عبارت بهتر محصولی می‌تواند حرف‌های اساسی برای گفتن داشته باشد که در فرآیند تبدیل، بهترین «شرایط اعمال» برای آن لحاظ شود. امروزه به علت افزایش هزینه‌های نگهداری و افت کیفیت تولیدات گوناگون بخش کشاورزی که موجب از دست دادن بازارهای مناسب می‌شود، حرکت به سمت فرآوری محصولات کشاورزی چند برابر شده است.

متأسفانه هر ساله رقم قابل توجهی از تولیدات کشاورزی در کشور ما به علت سودجویی دلالتان، نبود سیستم جامع خرید محصول و در نتیجه نبود بازار مناسب مصرف و از همه بدتر فقدان کارخانه‌جات تبدیلی متناسب، یا در مزارع از بین می‌رود و یا اینکه در انبارها دچار افت شدید کیفی شده که نهایتاً سر از انبار خوراک دام در می‌آورد. درجهان امروز که رقابت بر سر فرآوری و بازاریابی بین‌المللی فوق‌العاده زیاد است، چنین مسایلی جز وارد کردن ضربات مهلک و جبران‌ناپذیر بر بدنه اقتصاد غیرنفتی، چیز دیگری را به همراه ندارد.

بر اساس آمار و ارقام در طی این چند سال گذشته فرآوری محصولات صنعت کشاورزی بالغ بر ۳۳ میلیون تن بوده است. اما به راستی این افزایش تا چه اندازه می‌تواند پاسخ‌گوی تقاضای داخلی و تامین‌کننده نیاز اقتصاد غیرنفتی کشور باشد؟ در استان‌های مهمی مانند کرمانشاه، لرستان، ایلام، زنجان و حتی اردبیل که از لحاظ توانمندی‌های کشاورزی و نیروی انسانی ظرفیت‌های خوبی دارند، رشد کارخانجات این چنینی می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی مثل رشد اشتغال، کاهش تورم و امیدواری کشاورزان را شامل شود.

به عنوان نمونه در منطقه‌ای از استان لرستان (اطراف شهرستان بروجرد) که جلگه سیلاخور نام دارد، با وجود بافت خاکی بسیار متنوع و مرغوب که به جرات می‌توان گفت بهترین محصول خیار کشور را می‌توان در آن جا به تولید انبوه رساند، به علت عدم وجود کارخانجات تبدیلی که می‌تواند نقش بسیار مهمی را در تولید محصولات فرآوری‌شده‌ای مانند خیارشور، ترشی خیار و حتی کرم‌های پوستی داشته باشد، همه و همه به دست دلالتان با قیمت غیرعادلانه‌ای خریداری می‌شود و یا اینکه در انبارها و مزارع نابود می‌شوند. به عنوان نمونه دیگر در اواخر فصل برداشت ذرت فقط از یک مزرعه نسبتاً کوچک رقمی در حدود سیزده تن ذرت درجه یک به علت نبود کارخانجات تبدیلی و مقاومت صاحبان مزرعه در برابر دلالتان در بدترین شرایط موجود زیر آفتاب پوسید و با کاهش قابل توجهی از مواد مغذی تبدیل به خوراک مرغداری‌ها شد. ولی تنها از فرآوری ذرت می‌توان روغن مرغوب، کنسرو، کنجاله و... را به دست آورد.

حتی اگر بستر مناسب برای افراد علاقه‌مند به احداث کارخانجات تبدیلی فراهم شود و از بابت اهدای وام‌های عاقلانه و منطقی اقدامات اساسی انجام شود، به طور حتم شرایط به نحو بسیار مناسبی برای صنعت کشاورزی کشور ما تغییر می‌کند و کشاورزان با انگیزه وارد کارزار تولید می‌شوند.

علیرضا محتشم  
کارشناس کشاورزی از لرستان

از دست‌ها، افت سطح آب زیرزمینی و کمبود جریان‌های سطحی و افت بیلان آب، کمبود امکانات حمل و نقل پایانه‌های صادرات محصول کشاورزی و عدم برخورداری از یارانه‌های صادراتی، سنتی بودن نظام توزیع و عرضه محصولات کشاورزی، وجود دلالت‌ها و واسطه‌ها و مشکلات تنظیم بازار، تولید ناکافی و عدم تامین به موقع نهاده‌های کشاورزی، سرمایه‌گذاری بالا و کارمزد زیاد و کوتاه بودن زمان بازپرداخت تسهیلات سرمایه‌ای، پایین بودن، ضریب مکانیزاسیون و در نتیجه افزایش قیمت تولید محصولات، عدم وجود تضمین هزینه محصولات باغی و پایین بودن نرخ تضمین خرید بعضی از محصولات، رعایت نشدن تناوب زراعی و فشار بیش از حد برای تولید گندم جهت رسیدن به خودکفایی، عدم افزایش قیمت تضمینی گندم و چغندر قند و سایر محصولات استراتژیک و کاهش قدرت خرید کشاورزان، برابری نرخ کارمزد بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها، حذف یارانه‌های سم، کود، بذر و خرید تراکتور و کمباین، کمبود اعتبار، ناامنی در مالکیت زمین، ارتباط ضعیف با مشاغل دیگر کشاورزی، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل نرخ تورم و ارزش افزوده، عدم بازاریابی اصولی، فقدان آموزش و دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی به دلیل عدم توسعه (IT)، کندی سرعت اینترنت و انحصاری بودن پهنای باند توسط مخابرات، کمبود مشارکت‌های زودبازده میان بخش‌های دولتی و خصوصی، ناپایدار بودن شرایط سیاسی، اجتماعی، وزارتی و فقدان سرمایه‌گذاری مشترک خارجی در ایران، عدم زیرساخت‌های لازم مانند: جاده، برق، گاز و ارتباطات و عدم برقراری تخفیف جهت سرمایه‌گذاران بخش کشاورزی، عدم شایسته‌سالاری در پست‌های کارشناس فنی در بخش کشاورزی و متمرکز بودن سلسله مراتب مدیریتی در استان‌ها، عدم دسترسی به اطلاعات فرآوری‌شده، عدم تعادل سیاست‌ها برای افزایش سهم بنگاه‌های کوچک در تولید ناخالص ملی، عدم توسعه منابع مالی داخلی و بخش تعاون به دلیل افزایش مطالبات بانک‌ها، پیچیدگی چارچوب مقررات سرمایه‌گذاری در بخش تولیدات کشاورزی

- عدم پرداخت تسهیلات ارزی به بخش خصوصی، عدم شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی

- کمبود کشتارگاه، سردخانه و کارخانجات صنایع تبدیلی و خشکبار  
- عدم فرهنگ‌سازی و قیمت‌گذاری داخلی بر مبنای ارگانیک بودن محصولات تولیدی

- استفاده بی‌رویه از سموم شیمیایی و عدم تولید محصولات ارگانیک  
- عدم قدرت خرید اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها جهت محصولات تولیدی با نرخ تضمینی

- عدم وجود سیلو، انبار و سردخانه مطابق با اصول فنی به میزان مورد نیاز  
- عدم وجود جایگاه مناسب نظام پیشنهادات در کشور و انگیزه کافی جهت متفکرین و مبتکرین

بسیاری از موانع یاد شده بالا به علت غیرمتمرکز بودن ارگان‌ها و نهادهای متولی بخش کشاورزی در یک سازمان مادر و سیاست‌گذاری واحد و عدم حمایت پایدار از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور می‌باشد. دستیابی به چنین مهمی نیازمند تاسیس یک سازمان حمایت‌کننده مادر تخصصی خواهد بود که پیشنهادات آن در صفحه ۲۹، شماره خردادماه همین مجله، به طور مبسوط به آن اشاره گردیده است. به امید آن روز.

